

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت - ۲۳ می ۲۰۱۱

باز هم یادی از پیری !!!

به ارتباط شعر «ذلت پیری» از دوست گرانقدرم، شاعر شیرین کلام، جناب تیمور شاه تیموری، منتشره ۲۱ می ۱۱ در سایت محبوب "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، خواستم شعری تقدیم حضور شان بکنم که اینک پیشکش می شود :

شادم که شعر پیری من، دلپذیر شد
بیجان گفته ام، به کلامش شکرشکن
اینجا نوای گوشنوازش، نواخت گوش
عمر مرا که خواسته، بیش از نود شود
از حد گذشت عمر، به این حد نمی رسد
زین گیر و دار عمر، چه افسانه گویمت
«پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت»
یاد آنکه نونهای برومند بود «اسیر»
آن روزگار، یاد که در خدمت وطن
با مژه ای بهم زدن، آن دوره ها گذشت

مدّ نگاه تیموری خوش ضمیر شد
کاین شاعر خجسته به شعرش شهیر شد
آنجا کلام قند ترازش به شیر شد
آمد کهولت و دگر آن دوره دیر شد
شست و شکست بر شد و هفتاد زیر شد
نشیده ای که طفل صغیری، کبیر شد
موی سیه، سپید به مانند شیر شد
امروز حیف، حیف که پیر و زهیر شد
گاهی دبیر شعبه و گاهی مدیر شد
وان لحظه نشاط عجب تیر و بیر شد

خوبست این مناظره با شعر «تیموری»

یک مصرع از سروده شعر «اسیر» شد